

# قدرت بی قدرتان

واتسلاف هاول

ترجمه

احسان کیانی خواه

فرهنگ نشر نو

با همکاری نشر آسیم

تهران- ۱۳۹۸

## قدرت بی قدرتان

ترجمه احسان کیانی خواه  
**The Power of the Powerless** از  
Vaclav Havel  
Vintage Books, New York, 1992

فرهنگ نشر نو، تهران، خیابان میرعماد، خیابان سیزدهم، شماره سیزده  
تلفن ۸۷۴۰۹۹۱

نوبت چاپ اول، ۱۳۹۸

شمارگان ۲۲۰۰

سرسن مجموعه خشایار دیهیمی

صفحه را مرتضی فکوری

ساشی در جلد بهرام داوری

چاپ و صفحه بندی سردار

ناظر چاپ و ناشر سراج

تمام حقوق محفوظ است.

### فهرست کتابخانه ملی

- سرشناسه هاول، واتسلاف، ۱۹۸۰  
عنوان و نام پدیدآور قدرت بی قدرتان، واتسلاف هاول  
ترجمه احسان کیانی خواه  
مشخصات نشر تهران: فرهنگ نشر نو: آسیم، ۱۳۹۸  
مشخصات ظاهری ۱۶۴ ص.  
شابک ۹۷۸-۶۰۰-۴۹۰۰۰۹۷-۳  
وضعیت فهرست نویسی فیبا.  
موضوع سیاست جهانی -- اخلاق -- زندگی -- کمونیسم  
چکسلواکی -- سیاست و حکومت  
شناسه افزوده کیانی خواه، احسان، ۱۳۶۴ - ، مترجم  
رده بندی کنگره ۱۳۹۷ ق ۲ / ۵۲ DB۲۲۴۱  
رده بندی دیویی ۹۰۹/۸۲  
شماره کتاب شناسی ملی ۵۴۹۱۴۶۳

مرکز پخش آسیم

تلفن و دورنگار ۸۷۴۰۹۹۲-۵

www.nashrenow.com فروشگاه اینترنتی

قیمت ۲۱،۰۰۰ تومان

## سخن سرپرست مجموعه

«فلسفه» در همه کشورها، همه فرهنگ‌ها، از جمله کشور خودمان، واژه‌ای پرابهت است. کتاب‌های فلسفه هم غالباً در قفسه‌ها در جایی قرار می‌گیرند که متناسب با هم‌پیمانان باشد. به اصطلاح خودمانی، آن بالای تاقچه. عموم مردم هم دیده احترام به فلسفه می‌نگرند هم در عین حال از آن می‌ترسند. کمتر کتاب‌خوان عادی به سراغ کتابی می‌رود که عنوان فلسفه را یدک می‌کند. نظر آنها فلسفه‌خواندن کار هر کسی نیست و بنابراین عطایش را به نفایش می‌بخشند. و البته با وضع کنونی این تصور به دور از حقیقت هم نیست.

اما بگذارید کمی بیشتر مسئله را بشکافیم و توضیحاتی بدهیم. اکثراً سؤالی که مطرح می‌شود این است که «فلسفه چیست؟» و پاسخ معمولاً دو بخش دارد: از نظر لغوی فلسفه «دوستداری حکمت» یا «عشق به حقیقت» است، و از نظر رشته‌ای، دانشی نظری و غالباً انتزاعی. اما اولاً این پاسخ تا چه حد مقرون به حقیقت است، ثانیاً آیا این پرسش که «فلسفه به چه کار می‌آید؟» پرسشی بهتر نیست؟

اگر این قول مقبول تقریباً همگان را بپذیریم که خاستگاه فلسفه یونان باستان و نخستین فیلسوف به معنای متعارف امروزی اش سقراط بوده است بحث شاید به مسیر دیگر و بهتری هدایت شود. می دانیم که سقراط در کوچه و خیابان و میدان می گشته است و سؤال هایی فلسفی را با رهگذران در میان می گذاشته است و البته شیوه خاص خودش را هم در این کار داشته است که به اصطلاح معمولی «محواره» نامیده می شود. اما سؤال های «فلسفی» سقراط از چه جایی بودند؟ سقراط عمدتاً سؤال هایی را مطرح می کرد که با زندگی شخصی و خصائل افراد ارتباط داشت. و یونانیان طرف مسوور که لزوماً فیلسوف هم نبودند، از بحث درباره این سؤال ها پرمیر نمی کردند. امروز هم اگر نظیر همان سؤال ها از هرکس پرسیده شود، گوی نمی گوید این بحث ها فلسفی است پس من که فیلسوف نیستم درگیر آنها نمی شوم. اما هرچه از دوران سقراط فاصله گرفتیم، علی الخصوص پس از ارسطو و کتاب مابعدالطبیعه اش، فیلسوفان به دو دسته کلی تقسیم شدند: فیلسوفان هنر زندگی و فیلسوفان نظر استماتیک. آن دسته اول همان راه سقراط را در پیش گرفتند، یعنی طرح سؤال هایی که به هرکس و کلاً به زندگی ربط پیدا می کند و پاسخ به این سؤال ها «راه زندگی» هرکس را معین می کند. اما عده بیستری در دسته دوم قرار گرفتند و به بحث های کلی و انتزاعی پیچیده پرداختند. اوج آن پدید آمدن فلسفه تحلیلی بود. دسته اول اکثراً به تجربه های زندگی و علی الخصوص زندگی خودشان استناد می کردند و سعی می کردند از این طریق بلکه به بهترین راه و روش زیستن (چه حیات فردی چه حیات اجتماعی) دست یابند. نوشته های اینان بسیار شبیه نوشته های ادیبان و شاعران بود. برای همین آن دسته دوم که قدرت و وسعت بیشتری پیدا کرده بودند اینان را نه فیلسوف، بلکه همان

شاعر و ادیب می‌خواندند یا حتی بعضاً شارلاتان‌هایی که دل از نوجوانان می‌ریبند. اما فیلسوفان هنر زندگی هم متقابلاً فیلسوفان نظری سیستماتیک را که فلسفه را امری غیرشخصی می‌دانستند و به بحث در کلیات اکتفا می‌کردند افرادی گمراه و خودفریفته قلمداد می‌کردند که فلسفه را از وظیفه اصلی‌اش، که هرچه بهتر کردن زندگی است، دور می‌کنند و بدل به دانشی کاذب که به هیچ کار نمی‌آید. افرادی نظیر مونتینی، پاسکال، شوپنهاور، کی‌یرکگور، امرسون و کلاً اگزیستانسیالیست‌ها را می‌توان در دسته اول قرار داد. حتی آنان بتوان ویتگنشتاین را هم به آنها افزود. دسته دوم از فیلسوفان مدرسه (اسکولاستیک) آغاز می‌شوند و به فیلسوفان زبان ختم می‌شوند. البته فیلسوفانی بینابینی هم در این میان وجود دارند، مثل روسو، هیرم، کانت و بسیاری دیگر. این بحث البته دامنه بسیار گسترده‌ای دارد، اما هدف من از طرح اجمالی آن توضیح دادن دلیل برای ضرورت فراهم آوردن این مجموعه گسترده بود.

از نظر من فلسفه فقط رشته‌ای دانشگاهی نیست که در دانشگاه خوانده شود و مختص عده خاصی باشد که در این رشته تحصیل می‌کنند. فلسفه به همه تعلق دارد و همه باید آن را درک و سؤالاتی طرح می‌کنیم که جنبه فلسفی آشکاری دارند. شاید کمتر کسی باشد که این سؤال‌های فشرده در این بیت گاه‌به‌گاه به ذهنش خطور نکرده باشد: از کجا آمده‌ام، آمدنم بهر چه بود / به کجا می‌روم آخرت‌مایم و وطنم. در واقع همه این سؤال‌ها فلسفی هستند: از کجا آمده‌ایم، نه هستیم، چه باید بکنیم، معنای زندگی‌مان چیست، و عاقبت کارمان چه. تولد، مرگ، خوشبختی، نیکی، بدی، معیارهای زندگی، و همه خصائل انسانی در دل این سؤال‌های فشرده نهفته‌اند. پس درست است که ما همه فیلسوف حرفه‌ای نیستیم، اما همه‌مان به مسائل فلسفی، در عیان و نهان، فکر می‌کنیم و این فکر کردنمان بر شیوه

زندگی و عملمان تأثیر می‌گذارد. پس فلسفه در این معنا یک دانش انتزاعی به درد نخور مختص عدهٔ قلیلی نیست. کتاب‌های «فلسوفان هنر زندگی» با ما سخن می‌گویند و ما از طریق سخن گفتن با آنها به شیوه‌ها و راه‌های درست‌تر عمل کردن، چه برای اعتلای خودمان، چه برای زیستی کردن جهان، و کاستن از دردها و افزودن بر شادی‌ها پی می‌بریم.

متأسفانه در کشور ما هم نظر اغلب نویسندگان و مترجمان فلسفه مطبوع به کتاب‌های نظری سیستماتیک است، کتاب‌هایی که خاستگان احساس می‌کنند که نویسنده‌اش اصلاً تلاشی نمی‌کند زندگی را با همهٔ آشوب‌هایش، پوچی‌هایش، دردهایش، خوشی‌هایش سر زردگی‌هایش، اضطراب‌هایش و خلاصه فراز و نشیب‌هایش درک کند در برشان شود، و ما را نیز همراه با خودش درگیرشان کند. برعکس، این احساس به خواننده دست می‌دهد که با عقایدی انتزاعی روبه‌روست که تقریباً هیچ ربطی به واقعیت ندارند. اما واقعیت این است که در زندگی‌مان با همهٔ این پدیده‌ها سروکار داریم و نیازمندیم که هرچه بیشتر از وضع زندگی‌مان و خصوصاً احساساتمان سر در بیاوریم، درست به دوری‌های ارزشی بزنیم، و مبنایی برای این داوری‌های ارزشی پیدا کنیم. فراتر از همه، ما سخت نیازمند درک معنای زندگی و آشنایی با «هنر زندگی» هستیم. اما مجموعهٔ کتاب‌های فلسفی که در ایران منتشر می‌شوند کمتر به این سؤال می‌پردازند و در نتیجه ما به لبهٔ پرتگاهی برسویه کشانده می‌شویم که یک‌سویش یا وانهادن فلسفه و یا صرفاً تبدیل این کتاب‌ها به کتاب‌های بالای تاقچه‌ای برای قمپز در کردن است، و سوی دیگرش، روی آوردن به کتاب‌های به اصطلاح «زرد» به قلم افرادی است که پاسخ‌هایی دم‌دستی به این سؤال‌ها می‌دهند و راه‌حل‌های یکسان‌آسان برای همهٔ مشکلات همگان پیش پا می‌نهند

که همه با آنها آشنا هستیم: ۴۰ راه برای خوشبختی، ۲۰ راه برای غلبه بر اضطراب، ۵۰ توصیه برای زندگی زناشویی، و... انگار انسان‌ها ماشین هستند و می‌توان برای مشکلات افراد، که نام مشترک اما کیفیت متفاوت دارند، راه‌حل یکسانی عرضه کرد که کارگر هم بیفتد. این کتاب‌ها اکثراً به‌نظر من خطرناک هم هستند، زیرا افراد را از اندیشیدن به مسائل و مشکلاتشان معاف می‌کنند و نسخه‌ای می‌پیچند که همه به یکسان از آن استفاده کنند.

این موقعیتی خطرناک است که جامعه ما و آحادش را تهدید می‌کند. البته مرکز نمی‌توان با اغراق ادعا کرد که مثلاً با چنین مجموعه‌ای می‌توان چنین نیاز معطل مانده‌ای پاسخ داد، اما به هر حال شاید گامی کوچک در این راه باشد. انتشار کتاب‌هایی فلسفی که نه فقط با صدای عصب بلکه با شور زندگی، با ما درباره مسائلمان سخن می‌گویند، آن هم نه با اعلام حکم قطعی در هر مورد، که قطعاً در توان هیچ‌کس نیست، بلکه با نور تاباندن بر زوایای تاریک و پیچیدگی‌های مسائل زندگی و دورت از خود ما برای تفکر بیشتر و یافتن راه‌حل‌های مخصوص به خودمان یعنی فکر کردن به «هنر زندگی» با مدد گرفتن از «تجربه» دیگران.

عناوین این مجموعه پرشمارند و طبیعتاً بعضی حتی عناوین مشترک یا شبیه هم دارند، زیرا اینها مسائلی است که تقریباً همه فیلسوفان هنر زندگی دغدغه‌اش را دارند: معنای زندگی، خوشبختی، نوع دوستی، سرشت بشر، فضیلت، مبانی ارزش‌ها، شخصیت، همزیستی مسالمت‌آمیز، ترس، درد، بیماری، ملال، و... این مجموعه تقریباً پایانی ندارد و امیدوارم با یاری شما بتوانیم باب تازه‌ای را در نشر کتاب‌های فلسفی بگشاییم.

با اینکه کتاب‌های این مجموعه «فلسفی» هستند اما چون فلسفی به همان معنای خاصی هستند که توضیح دادم در عنوان

مجموعه به جای لفظ «فلسفه» از «هنر زندگی» استفاده شده است، شاید که این بهتر منظور و مقصود این مجموعه را برساند. در ضمن مجموعه «تجربه و هنر زندگی» همچنان که از عنوان هم برمی‌آید به دو دسته کتاب تقسیم می‌شود. کتاب‌های نظری «هنر زندگی» و زندگینامه‌ها، زندگینامه‌های شخصی، یادداشت‌های پراکنده و خاطراتی که صرفاً «تجربه زندگی» هستند.

خشایار دیهیمی

۱۳۹۷/۹/۱۳